

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعید افغانی"

۱۸ نومبر ۲۰۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر احمد

ترجمه و تفسیر سُوْرَةُ «النُّوْرِ» (۱۱)

جزء ۱۸

چاپ اول ۲۰۲۲ ©

سوره نور در مدینه نازل شده و دارای شصت و چهار آیت و نه رکوع می‌باشد.

أَوْ ظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لَجَّى يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا  
وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ (۴۰)

یا همچون ظلماتی است در يك بحر عمیق ، که موج آن را پوشانیده، و بر روی آن موج دیگری است، و بر روی آن ابری تاریک، تاریکی‌هایی است یکی بر روی دیگر، آن‌چنان که هر گاه دست خود را خارج کند ممکن نیست آن را ببیند! و کسی که خدا نوری برای او قرار نداده، نوری برای او نیست! (۴۰)

## تشریح لغات واصطلاحات :

«ظُلُمَاتٍ»: این آیت شریفه اشاره به طوفان‌هایی که در ابحار به وقوع می‌پیوندد، دارد. در ابحار پرآب و اقیانوس‌های وسیع و بزرگ، هنگامی که طوفان‌ها در می‌گیرد امواج خوفناکی با درازا و پهنا و بلندای گوناگون به راه می‌افتد. به گونه‌ای که چین‌ها بالای چین‌ها روان و طبقه‌ها فوق طبقه‌ها دوان می‌گردد و گردبادهای بحری جلو نور آفتاب را می‌گیرد. طوفان‌ها هم به نوبه خود ابرهای ضخیم را ایجاد می‌نماید و تاریکی هوا بر تاریکی آب‌ها می‌افزاید و بالاخره ظلمت تا بدانجا حکمفرما می‌گردد که با وجود سلامت چشم‌ها رؤیت اشیاء ناممکن می‌شود (المنتخب). کسی که گرفتار چنین محیطی شود کی از آن رها و به سوی نجات راه پیدا می‌کند؟ کافران و منافقان محروم از نور خدا هم در تاریکی‌های کفر و شرک و معاصی گرفتارند. دل‌های‌شان دستخوش امواج حیرت بوده، و ابرهای شک بر دل‌های‌شان خیمه زده، و در نتیجه با ظلمات عقیده غلط و کردار بد و گفتار نادرست، راهی گور تاریک و دشت محشر تاریک و دوزخ تاریک می‌گردند و بالاخره در دنیا و آخرت در ظلمات بهسر می‌برند. «لَجَّى»: منسوب به (لَجَّةً)، دارای آب زیاد با عمق بسیار و سطح مَواج. (مراجعة فرماید تفسیر نور خرمدل)

در آیت متبرکه برای اعمال کفر مثلی بیان نموده می‌فرماید: «أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ» این هم مثل دوم از گمراهی کفارست. یعنی: یا مثال آن‌ها به‌سان تاریکی‌های بزرگی بحری بی نهایت عمیق است که سطح عمق نامعلوم است. اعمالی را که مؤمن، انجام می‌دهد نورااست و عملی را که کفار به جا می‌آورند، ظلمات است. اعمال خوب کفار، همچون سراب و اعمال بد آن‌ها، همچون ظلمات است.

در آیت متبرکه با چه زیبایی این حقیقت را بیان فرموده است: «يَعْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ» بر همان دریا امواج متلاطم بالای یکدیگر قرار دارند، «مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ» و بر بالای همان موج فوقانی و دوم توده ابری تیره و انبوه قرار دارد.

«ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ» تاریکی‌های انبوه و متراکم بر یکدیگر می‌باشند.

قتاده گفته است: کافر در بیخ تیرگی دست و پا می‌زند؛ کلامش تیرگی است، عملش تیرگی است، جایگاهش ظلمت است، محل خروجش تیرگی و سرانجام و عاقبتش تیرگی روز رستاخیز در آتش دوزخ است. (تفسیر طبری ۱۱۶/۱۸).

«إِذَا أُخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا» این تتمه و پایان تمثیل است. یعنی اگر همان انسانی افتاده به این ظلمات دستش را بیرون بیاورد تقریباً آن را نمی‌بیند؛ زیرا تیرگی بحر و موج و ظلمت ابر به حدی بر هم انبوه و متراکمند، که شدت تاریکی مانع دیدن نزدیکترین چیز می‌شود، وضع کافر نیز چنین است و در ظلمات کفر و گمراهی دست و پا می‌زند. «وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» «و هرکس که خداوند برایش نوری قرار نداده باشد، نوری ندارد» یعنی: هرکس که الله متعال برایش هدایتی قرار نداده باشد، هدایتی ندارد. وجود این ظلمات در قلب کافر، به ضد انواری است که در قلب مؤمن قرار دارد، انواری که بیان آن‌ها در «آیت - ۳۵»: «مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ» [النور: ۳۵] بیان شده است.

نباید فراموش کنیم که: علم، انسان را از نور وحی بی‌نیاز نمی‌کند. اگر نور الهی نباشد، هیچ نوری انسان را نجات داده نمی‌تواند.

خواننده محترم!

شیخ علی صابونی در تفسیر خویش «صفوة التفاسر» می‌نویسد: یکی از دانشمندان علم طبیعی غیر مسلمان بعد از این‌که این آیت ۴۰ سوره نور «أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ يَعْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أُخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» را شنید. پرسید: آیا محمد سفر بحری داشت؟ گفتند: نه. گفت: من شهادت می‌دهم که پیامبر خداست. گفتند: از کجا دانستی؟ گفت: فقط انسانی می‌تواند این‌گونه خصوصیت‌های بحری را بیان کند که عمرش را در بحر و آب‌های بحری به‌سر برده باشد، و خوف و ترس و عظمت آن‌را و خطرات ناشی از طوفان‌های بحری را از نزدیک مشاهده کرده باشد. وقتی گفتید که به سفر بحری نرفته است، دریافتیم که کلام الهی می‌باشد. (تفسیر صفوة التفاسر صابونی) پس از آن، الله متعال چهار نوع از دلایل را بر اثبات وجود و یگانگی و قدرت خویش بیان می‌دارد. اولین دلیل را همان تسبیح گفتن مخلوقات می‌شمارد و می‌فرماید:

خوانندگان گرامی!

در آیات قبلی در مورد نورانی گردانیدن دل‌های مؤمنان به وسیله هدایت الهی و تاریک نمودن دل‌های کافران و منافقان به گمراهی و سرگشتگی پرداخت؛ اینک در آیات متبرکه (۴۱ الی ۴۶) درباره فرمان‌برداری هستی از الله یگانه بحث به‌عمل آمده است.

**أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلِّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (۴۱)**

آیا ندانسته ای که همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند، الله را به پاکی یاد می‌کنند؟! و پرندگان که (در حال پرواز) بال گشوده‌اند نیز (او را تسبیح می‌گویند؟! هر یک از آنان نماز و تسبیح خود را دانسته است و الله به آنچه می‌کنند، داناست. (۴۱)

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» ای پیامبر! آیا ندانسته‌ای که هر که و هر چه در آسمانها و زمین از مخلوقات وجود دارد، یعنی تمام ساکنان عالم هستی از قبیل ملائکه، انسان، و جن، الله متعال و عظیم را تسبیح می‌گویند و او را تنزیه و تقدیس می‌کنند.

«تسبیح» به معنای تنزیهی است که توأم با علم و آگاهی باشد و از روی قصد صورت گیرد و تسبیح خداوند به معنای منزّه دانستن او از عیوب و نقایص امکانی است.

تسبیح گفتن غیر عقلا در صداهائی مشهود است که از آنان شنیده می‌شود و در آثاری که از صنعت بدیع حق تعالی در آنان دیده می‌شود.

«وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ» و پرندگان نیز در حالی که در آسمان پر گشوده‌اند تسبیح وی می‌گویند؟ حالت گشودن پر و بال، شگفت انگیزترین حالات پرندگان است زیرا استقرار آنها در هوا بدون حرکت دادن بال‌هایشان و بدون قرار گرفتن بر روی زمین و تسبیح گفتن‌شان در عین این حالت، از بزرگترین نشانه‌های آفرینش خدای ذوالجلالی است که همه چیز را به اتقان و استحکام تمام آفریده است

«كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ» تمام فرشتگان و انسان و جن و پرندگان، به روش و مسلک خود در عبادت خدا هدایت شده و راه یافته‌اند. همه موجودات، شعور دارند و نماز و تسبیح آنها، آگاهانه است. الله متعال به هر پدیده و آفریده‌ای آموخته است که چگونه برای مولایش نماز بگذارد و به شکلی پروردگارش را به شیوه و روش خود یاد کرده و آفریدگارش را تسبیح گوید. در این آیت مبارکه به انسان می‌آموزاند که: نماز و تسبیح هر موجودی به صورت خاصی است. و چه زیبا است که برای ما می‌آموزاند که نماز، در صورتی دارای ارزش است که: نمازگزار بداند که چه می‌گوید و چه می‌کند.

«وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» از این رو هیچ کار نهانی از کارهایشان بر او ناپیدا نیست و بزودی آنان را در برابر اعمال‌شان جزا خواهد داد.

قرآن عظیم الشان، بارها مسأله تسبیح مخلوقات و موجودات و سجده و نماز آنها را با صراحت بیان کرده و فرموده است: شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید. از جمله در سوره (اسراء ۴۴). همچنان الله متعال در این آیت چند مرتبه به صورت غیر مستقیم، به انسان هشدار داده است می‌فرماید: مخلوقات آسمانی و زمینی و پرندگان در حال تسبیح هستند. چرا انسان غافل است؟! تنها به خود نیندیشید، به اطراف خود هم بنگرید و در هستی نیز مطالعه و اندیشه و تفکر داشته باشید.

و می‌فرماید که تسبیح موجودات، آگاهانه است. چرا انسان در نماز حضور قلب ندارد؟! و می‌افزاید که: پرندگان، هنگام پرواز در هوا در حال تسبیح و نمازند، ولی متأسفانه برخی از انسان‌ها هنگام پرواز در آسمان، در حال غفلت و مستی به سر می‌برند!

**وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۴۲)**

و از برای الله است حکومت و مالکیت آسمانها و زمین و بازگشت تمامی موجودات به سوی اوست. (۴۲)

«وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» مالکیت، گرداندگی و تدبیر امور آسمانها و زمین تنها از آن الله متعال است؛ او را در ملکش هیچ معارض و منازعی نمی‌باشد، زیرا او یکتای بی‌همتاست که فرمانروائی مطلق و سلطنت عام فقط از آن اوست.

«وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» مرجع و سرانجام خلائق نزد اوست، و مطابق اعمالشان آنها را جزا و پاداش می‌دهد. بازگشت به سوی او و حساب نیز تنها بر عهده او می‌باشد.

**أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَرْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقُهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ (۴۳)**

آیا ندیدی که خداوند ابرهائی را به آرامی می‌راند، سپس میان آنها پیوند می‌دهد و بعد آن را متراکم می‌سازد، در این حال قطره‌های باران را می‌بینی که از لابه لای آن خارج می‌شود. و از ابرهای کوه مانند ژاله فرود می‌آورد، پس آن را به هر کس بخواهد می‌رساند و آن را از هر کس که بخواهد باز می‌دارد. نزدیک است درخشش برق آن چشم‌ها را برباید. (۴۳).

امام صاوی می‌فرماید: همان‌طور که باران پرسود برای بندگان را از آسمان نازل می‌کند. همان‌طور هم ژاله زیانبخش را برای بندگان نازل می‌کند پس پاک و منزّه خدائی است که آسمان را منشأ خیر و شر هر دو قرار داده است. (صاوی بر جلالین ۲۳۴/۳).

**يَقْلَبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ (۴۴)**

خداوند شب و روز را دگرگون می‌سازد و در این عبرتی بزرگی است برای کسانی که بصیرت داشته باشند. (۴۴) و از دیگر برهان‌های قدرت باری تعالی آن است که او بین شب و روز توالی و تعاقب ایجاد کرده است به طوری که یکی از آنها را از پی دیگری می‌آورد و هم اوست که در بین مدت شب و روز - از حیث بلندی و کوتاهی - تغییر ایجاد نموده است. بی‌گمان در این امر برای هر کس که دیده روشنی داشته باشد، بر عظمت فرمانروای مطلق و مالک بی‌چون بر حق دلالت آشکاری است.

باید گفت که تشویق به تدبیر و نهی از سطحی‌نگری، از سفارشات پی در پی و همیشگی قرآن عظیم الشأن است. در این آیت مبارکه یکی دیگر از برهان‌های قدرت الهی به بیان گرفته شده است. تغییرات و آمد و رفت شب و روز، تصادفی نیست، بلکه بر اساس نظامی دقیق استوار است و این بدین معنی است که پدیده‌های هستی عبرت‌انگیز است، درباره آن باید تفکر کنید. و کسی که اهل بصیرت باشد، می‌تواند از همه زمان‌ها و مکان‌ها درس بگیرد.

**وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۵)**

و الله هر جنبه‌ای را از آبی [که به صورت نطفه بود] آفرید، پس بعضی از آنها بر شکمشان راه می‌روند، و برخی از آنها به روی دو پا حرکت می‌کنند، و بعضی از آنها به روی چهار پا راه می‌روند. الله هر چه بخواهد می‌آفریند. البته الله بر هر چیز قادر است. (۴۵)

مفسر تفسیر نور شیخ خرمدل می‌نویسد: منظور از خلقت موجودات زنده از آب این است که خداوند دانا و توانا، نخستین جوانه حیات را در اعماق یا سواحل ابحار پدیدار فرموده است؛ یا این که مراد از چنین آبی منی است و اگر هم برخی از جانداران از راه تقسیم سلول‌ها به وجود می‌آیند؛ نه از راه نطفه منی، از قبیل: تک سلولی‌ها، حکم بالا جنبه نوعی دارد؛ نه عمومی. و یا این که مراد این است که آب ماده اصلی موجودات زنده است و قسمت عمده جسم آنها آب بوده و بدون آن قادر به ادامه حیات خود نمی‌باشند. «يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ»: این بخش از آیت، بیان‌گر این

واقعیت است که جانداران منحصر به سه گروه خزندگان و دوپایان و چهارپایان نبوده و بلکه حیواناتی وجود دارد که به گونه دیگری و دارای پاهای بیشتری، و یا ساختار و شیوه حیات شگفت‌تری می‌باشند. مطالعه کنندگان گرامی!

در این آیت مبارکه، خداوند به تمام اصناف حیوانات که اصل آفرینش آن‌ها از آب است، اشاره فرموده است: یعنی ماده اصلی همه جنبنده‌ها آب است، «ماء» ولی قدرت‌نمائی خدا به گونه‌ای است که از این ماده ساده، این همه موجودات متنوع خلق می‌کند. که: از جمله انسان، حیوان، خزندگان، چرندگان و پرندگان، تفکر در ساختمان وجودی حیوانات، وسایر مخلوقات گامی برای خداشناسی است.

این کثیر فرموده است: خدای توانا در خلق انواع حیوانات با اشکال و رنگ‌های گوناگون و حرکات و سکناات مختلف، از یک آب، قدرت مطلق و تسلط کامل خود را یادآور می‌شود. (مختصر این کثیر ۱۱۳/۲).

«فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِ» بعضی از آن‌ها، مانند مار روی شکم می‌خزد. «وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ رِجْلَيْنِ» بعضی بر دو پا راه می‌روند؛ مانند انسان و پرند، باید گفت که: اگر انسان در حرکت و رشد معنوی نباشد، در حرکت ظاهری همچون دیگر جنبندگان خواهد بود. «وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ» بعضی هم بر چهار پا راه می‌روند؛ مانند گاو و گوسفند و دیگر چهارپایان.

ابو حیان گفته است: چیزی را از پیش آورده است که بیشتر و روشن‌تر بر قدرت خدا دلالت دارد و شگفت‌آورتر است، که عبارت است از راه رفتن بدون وسیله پا و دست. سپس روندگان بر دو پا را ذکر کرده، بعد از آن چهارپایان را. (البحر ۴۶۶/۶).

«يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ» پروردگار با عظمت هر چه بخواهد همان‌گونه می‌آفریند. «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» خدا بر ایجاد هر چیز و انجام هر خواسته خود تواناست و محقق ساختن چیزی که ایجادش را اراده کرده باشد، ناتوانش نمی‌سازد.

امام فخر رازی گفته است: باید بدانید که عقل انسان از احاطه کامل به احوال ریزترین جاندار، ناتوان است، و استدلال به ریزترین جاندار بر وجود صانع و سازنده روشن است؛ زیرا اگر موضوع از ترکیب عناصر چهارگانه ناشی می‌شد، در تمام مخلوقات یکسان می‌بود، پس اختصاص هر یک از این حیوانات به اعضاء و مدت عمر و میزان اندام‌هایش، باید بنا به تدبیر و طرح و برنامه‌ریزی توانا و حکیمی صورت‌پذیر باشد، که از آنچه منکران می‌گویند میرا می‌باشد. (تفسیر کبیر ۱۹/۲۴).

ادامه دارد.